

بررسی سازوکارهای تأمین حریم خصوصی در مسکن شهر ایرانی با تأکید بر نموده‌های معماری سنتی - اسلامی

f.alaae@alzahra.ac.ir

f.gholaminejad@student.alzahra.ac.ir

saeidehkarbasi@gmail.com

فاطمه علایی رحمانی / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع) تهران

فهیمة غلامی نژاد / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع) تهران

سعیده کرباسی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع) تهران

پذیرش: ۹۷/۲/۱۰

دریافت: ۹۶/۱۱/۱۲

چکیده

حفظ حریم در شهر اسلامی، به‌ویژه در مسکن، از جمله اصول اولیه است که مورد قبول تمام پژوهشگران است. از آنجاکه در بسیاری از آیات و روایات بر لزوم تأمین حریم خصوصی در مسکن اشاره شده است، معماران در ساخت مسکن سنتی به حفظ حریم افراد خانواده توجه می‌کردند؛ اما امروزه ورود جریان مدرنیته غربی به کشورهای اسلامی باعث ایجاد تغییر در نحوه طراحی شهری و مسکن معاصر شده است که سازگار با اعتقادات اسلامی مردم نیست. هدف از این پژوهش، تحلیل سازوکارهای مؤثر در تأمین حریم خصوصی با توجه به تعالیم اسلامی برای به‌کارگیری در مسکن معاصر و به‌روزرسانی آن می‌باشد. روش تحقیق، از نوع تحلیلی - توصیفی، و گردآوری مطالب آن به‌صورت کتابخانه‌ای است. در نهایت، به‌روزرسانی و کاربردی‌سازی عوامل در طراحی معماری مسکن معاصر، با هدف خلق آرامش و آسایش زندگی انسان، به‌عنوان راهبردهای معمارانه برای پیشرفت و هدایت معماری معاصر مسکن شهر ایرانی پیشنهاد شده است، تا گامی در جهت ترویج سبک زندگی منطبق بر جهان‌بینی اسلامی برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تعالیم اسلامی، سبک زندگی اسلامی، حریم خصوصی در اسلام، مسکن.

مقدمه

ایجاد می‌کند (تولون، ۱۳۷۴، ص ۵۶). پس مسکن به‌عنوان یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده کانون زندگی فرد، یک نیاز است؛ اما نه هر مسکنی. آنچه ایدئال آدمی است، دسترسی به مسکنی با کیفیت و دارای حریم است (رکن‌الدین افتخاری و میرجلالی، ۱۳۹۳، ص ۸۷۵). مسکن و خانه باید بتواند برحسب نیازهای روحی و روانی افراد، فضای لازم را برای انجام فعالیت‌های دنیوی و اخروی ایجاد کند. معماری سنتی دارای ویژگی‌های مهمی است که یافتن راه‌های استفاده‌شده در معماری آن و تلاش برای انطباق آنها در ساخت‌وسازهای معاصر، یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات معماری سنتی و بومی را در قرن ۲۱ میلادی به خود اختصاص داده است (آسکوویت و ولینگا، ۲۰۰۶، ص ۱۸۷).

از این رو، در این مقاله به بررسی اصول و ارزش‌های برگرفته از تعالیم اسلامی در باب رعایت حریم خصوصی در خانه پرداخته می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا از طریق ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ضرورت حفظ حریم خصوصی در متون اسلامی پرداخته شده و سپس سازوکارهای مؤثر بر تأمین حریم خصوصی در ساختار فضایی خانه‌های سنتی، بحث و بررسی گردیده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی در خصوص معماری اسلامی صورت گرفته که در آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به حریم خصوصی نیز اشاره شده است؛ از جمله، کتاب‌های *معماری خانه‌های ایرانی* (کاتب، ۱۳۸۴) و *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام* (مرتضی، ۱۳۸۷)؛ در قالب مقاله نیز می‌توان به مقالات «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی» (اسکندری، ۱۳۸۹)، «حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی» (افشار و نعمتی، ۱۳۸۹) و «حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات» (شهباز قهفرخی و مسعودیان، ۱۳۹۱) اشاره کرد. نکته قابل تأمل اینکه بیشتر مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه، متمرکز بر ارائه الگو و سازوکاری مناسب برای ایجاد مسکن واجد اصل حفظ حریم خصوصی نبوده و تاکنون پژوهش جامع در این زمینه انجام نشده است. از این رو، مقاله حاضر می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای

خانه، به‌عنوان خصوصی‌ترین قلمرو فردی، مکانی است که حریم‌ها در کامل‌ترین شکل کالبدی و فیزیکی در آن متجلی می‌شوند. معماری گذشته ایران آمیخته با حریم و درون‌گرایی بوده است. خانه‌ها در میان خود، حیاطی داشتند که اتاق‌ها و تالارها بر گرد آن چیده می‌شدند. دیوارهای خارجی ساختمان، فاقد پنجره و روزنه بود و تا حد امکان دید مستقیم به درون خانه وجود نداشته است. با مطالعه و تعمق در زوایای جامعه ایرانی و تعاملات فردی و اجتماعی آن، درمی‌یابیم که نگرش و نحوه زندگی امروز ما نیز به‌پیروی از گذشتگانمان و بر اساس مشخصه‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی، تا حدود زیادی درون‌گراست؛ لیکن به‌دلیل پیروی از فرهنگ جهانی‌شده غرب، معیشت ایرانی متحول و دگرگون شده است و روش‌های جدید همزیستی و زندگی آپارتمان‌نشینی، عرصه‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی را تغییر داده و موجب دگرگون شدن حریم‌ها در سبک زندگی خانه‌های امروزی شده است. در گذشته، بحث حریم در سطوح مختلف معماری ایرانی به‌طور کامل لحاظ شده است؛ چنان‌که در طراحی و ساخت بناها، به حریم‌های دیداری، شنیداری و رفتاری توجه ویژه می‌شد. رعایت اصل حریم در معماری ایرانی، نمادها و عناصر کالبدی، متأثر از آن ناشی از فرایند دین و مذهب حاکم بر زندگانی مردم و همچنین باورهای دینی و نوع نگرش به مسئله محرم و نامحرم در گذشته بوده است؛ به‌گونه‌ای که معماری سنتی را می‌توان گنجینه‌ای سرشار از مفاهیم و رویکردهای انسانی دانست که در جهت توجه به امنیت و آسایش ساکنین خانه عمل می‌نموده است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص ۲۳-۳۲). متأسفانه در معماری خانه‌های امروزی تلاش بسیار کمی برای ایجاد حریم صورت می‌گیرد. امروزه افراد درون خانه خود از نگاه‌هایی که به‌آسانی از خانه‌های روبه‌رو به عمق خانه‌هایشان نفوذ می‌کند، در امان نیستند؛ از این رو مجبورند همان تنها روزنه‌ای را که می‌تواند منظرگاه قابی از آسمان باشد، پوشانند. امروزه به‌علت عدم محرمیت، کمترین بهره‌ر از فضای باز و نیمه‌باز داریم و بسیاری از مواقع شاهد آن هستیم که همین حداقل موجود هم به‌علت شریک شدن با همسایگانی که خود غریبه‌اند و نیز اشراف خانه‌های دیگر، از میان رفته است. در خود خانه نیز تنگی فضا باعث تلفیق فضاهای خصوصی و عمومی شده است و مشکلاتی را هنگام ورود به خانه

چه سازوکارهایی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی وجود داشت که حریم خصوصی را تأمین می‌کرد؟

فرض بر آن است که بر اساس آموزه‌های اسلامی و با توجه به معماری سنتی، در سه سطح مکان‌یابی، اصل سلسله‌مراتب، و درون‌گرایی، می‌توان مسکن مطلوب اسلامی معاصر را که واجد اصل حفظ حریم خصوصی است، استخراج کرد.

پرسش‌های فرعی عبارتند از: باید دید حفظ حریم خصوصی چه جایگاهی در اسلام دارد؟ آیا فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی ما عدم رعایت حریم خصوصی را می‌پذیرد و با آن سازگار می‌شود؟

فرض آن است که دین اسلام آخرین و کامل‌ترین دین در تأمین مصالح دنیوی و اخروی و سعادت بشری است. لذا چنین دینی نمی‌تواند نسبت به مسکن به‌عنوان نیاز اساسی بشر سکوت اختیار کرده باشد؛ بلکه حتماً به این امر مهم کرده است و جایگاه ویژه‌ای را به آن اختصاص داده است. فرض در پرسش دوم آن است که فرهنگ اسلامی شیوه‌ای متمایز از مفهوم حریم خصوصی را برخلاف مسکن معاصر دارد، به‌گونه‌ای که کالبد مسکن اسلامی، تجلی فرهنگ سنتی و مبتنی بر توجه به اصل حریم خصوصی است.

مفاهیم پژوهش

۱. حریم خصوصی

«حریم خصوصی» به‌عنوان بخشی از زندگی انسان، پیشینه‌ای به درازای زندگی انسان دارد؛ اما این واژه مرکب، اصطلاحی جدید است که نه در فقه و نه در حقوق، سابقه‌چندانی ندارد؛ چون ترکیب حریم خصوصی اصطلاحی جدید است، در هیچ‌یک از کتاب‌های لغت عربی و فارسی معنایی برای آن ذکر نشده است؛ حتی در کتاب‌های لغت انگلیسی به انگلیسی نیز نیامده است؛ اما در بحث‌های تخصصی، در عربی واژه «الحياة الخاصة (الخصوصية)» و در فارسی «حریم خصوصی» و در انگلیسی private domain یا private right برای حکایت از آن به‌کار می‌رود (اسکندری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). معنای اصطلاحی حریم خصوصی، در مباحث حقوقی، اجتماعی و سیاسی تعریف شده و فراوان به‌کار رفته است که تعریف آن در این پژوهش نمی‌گنجد؛ اما به‌طور خلاصه و در یک تعریف جامع، حریم خصوصی را می‌توان چنین معنا کرد: حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر

تکمیل خلأ مطالعاتی معماری مسکن ایرانی - اسلامی به‌طور عام در این حوزه را فراهم کند؛ و از سوی دیگر، به‌طور خاص می‌تواند این فرضیه را اثبات نماید که می‌توان عوامل کالبدی مؤثر بر تأمین حریم خصوصی را بر اساس آموزه‌های اسلامی بازشناخت و هریک از این عوامل و سازوکارها را در جهت حفظ حریم خصوصی در مسکن معاصر امروزی به‌کار بست.

در گذشته بین اعتقادات و نگرش مذهبی مردم و نمود بیرونی و کالبدی شهر، تضاد و تناقضی وجود نداشت و عوامل کالبدی مسکن کاملاً همسو با آموزه‌های دینی بود؛ که یکی از این آموزه‌ها توجه به حریم خصوصی بوده است. شاید برخی این پرسش را مطرح کنند که مسکن سنتی پاسخگوی تغییر سبک زندگی، افزایش جمعیت و فضای کم امروزی نیست؛ اما بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که جامعه اسلامی نیازمند یک بازنگری در طراحی شهری، به‌ویژه در طراحی منازل مسکونی است. معیارها و ملاک‌هایی مانند حفظ حریم خصوصی افراد، رعایت حق همسایگی و...، ملاک‌های ثابتی‌اند که می‌توان در هر شرایطی آنها را لحاظ کرد.

تبیین ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش، از دو دیدگاه کلی قابل طرح است؛ ابتدا از منظر اهمیت ماهوی حفظ حریم خصوصی افراد در مسکن؛ و سپس از منظر اسلام. در دیدگاه نخست، از دیرباز نکات اساسی در اهمیت حفظ حریم خصوصی در مسکن گفته شده است؛ از جمله اینکه مسکن در برآوردن هریک از نیازهای اساسی انسان، همچون نیازهای زیستی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی و روانی نقش ویژه‌ای دارد (قاسمی اردهائی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۸). در توضیح دیدگاه دوم آنکه بسیاری از مشکلات عدم رعایت حریم خصوصی در مسکن معاصر، در بی‌توجهی به مبانی ارزشی اسلام به‌عنوان جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر روح انسان و گسست از معماری سنتی به‌عنوان کمال مطلوبی که این همگونی را در گذشته رعایت می‌کرده است، ریشه دارد. امروزه به‌دلیل مدرنیته شدن و روی آوردن به معماری وارداتی و تأثیر فرهنگ غرب، شاهد کم‌رنگ شدن تأمین آرامش و ایجاد حریم خصوصی در مسکن می‌باشیم. با توجه به اینکه حریم خصوصی در اسلام اصلی ضروری است، عدم تأمین آن در مسکن جامعه اسلامی باعث ایجاد تضاد بین اعتقادات و سبک زندگی افراد جامعه می‌شود.

پرسش اصلی مقاله عبارت است از: در معماری خانه‌های سنتی

بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن، منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست (همان، ص ۱۵۸). در حقیقت، حریم خصوصی قلمروی از زندگی افراد است که انتظار می‌رود دیگران، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، بدان نظارت و دسترسی نداشته باشند (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

۲. حریم خصوصی در اسلام

دین مقدس اسلام به‌عنوان دینی جامع و کامل - که خاتم ادیان الهی است - به حریم خصوصی انسان‌ها کاملاً توجه کرده و برای آن اهمیتی فوق‌العاده قائل است. در کتاب و سنت، گزاره‌های مختلفی وجود دارد که بر اهمیت حریم خصوصی انسان‌ها و مصونیت آن دلالت دارد. قرآن کریم مبانی ویژه‌ای در تأیید حریم خصوصی افراد دارد؛ از جمله مختار بودن انسان (انسان: ۳)؛ برخورداری انسان از حق حیات و تربیت (اسراء: ۷)؛ و برخورداری از قدرت عقل (انفال: ۲۲؛ انعام: ۳۲؛ بقره: ۴۴). البته اصطلاح «حریم خصوصی»، در آیات قرآن و در روایات اسلامی استعمال نشده است؛ زیرا موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضعی به اصطلاح «تحویل‌گرایانه» است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است، بدون آنکه نامی برده شود: حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر، نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیرقابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت، مورد حمایت واقع شده است (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۱۲). دین اسلام علاوه بر روابط فردی، به روابط اجتماعی نیز توجه کرده است. بنابراین رعایت حریم خصوصی در روابط اجتماعی، در بسیاری از مباحث فقهی ما در اسلام مطرح شده است؛ مانند بحث محرمیت و رعایت حقوق همسایه، که متناظر با حفظ حریم خصوصی است. تحقیق در منابع حقوق اسلام نشان می‌دهد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی، بسیار بیشتر از دیگر نظام‌های حقوقی است. حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی، بیش از ۱۴۰۰ سال پیش مورد تأکید اسلام قرار گرفته است؛ درحالی‌که نخستین جرقه‌های حمایت جدی از حریم خصوصی، حتی در مورد تحویل‌گرایان سنت غرب، به قرون

هفده و هجده میلادی برمی‌گردد (همان، ص ۱۳). از منظر قرآن کریم، خانه در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد و محلی برای سکنا و آرامش انسان معرفی شده است: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰)؛ و خداوند قرار داد برای شما بخشی از خانه‌های شما را محلی برای سکونت و آرامش. در این آیه شریفه، به سکینه و آرامش موجود در خانه اشاره شده است؛ خانه‌ای که محل آرامش درون و راز و نیاز با خداست. چنانچه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می‌گرداند؛ به‌گونه‌ای که از یک چهاردیواری سرد و بی‌روح خارج می‌شود. بدیهی است هرچه صبغه الهی و معنوی آن بیشتر شود، مقامی رفیع‌تر پیدا می‌کند که مصداق بارز آن، کعبه، خانه خداست: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلّٰهٖ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمَهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور: ۳۶)؛ خداوند طراحی خانه‌ها را مستلزم داشتن حریم امن و دور از هرگونه مزاحمت همجواری و با ورودی مشخص می‌داند: «وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹)؛ نیکو نیست که از پشت خانه‌ها بدان‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکوکار کسی است که پرهیزکاری کند و از درهای خانه به آن درآید. همچنین خانه را محل حریم شخصی و خانوادگی تعریف نموده و از ورود بدون اجازه به خانه‌ها نهی فرموده و به ملاقاتی همراه با مهربانی و رحمت توصیه کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا» (نور: ۲۷)؛ به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ص ۵۰۶). سنت پیامبر اکرم ﷺ نیز بر اهمیت حریم خصوصی خانه تأکید می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «برای ورود به خانه بایستی سه مرتبه اجازه بگیرید؛ اگر به شما اجازه ورود به خانه را دادند پس وارد شوید؛ در غیر این صورت، بازگردید» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۵۸۶). پیامبر ﷺ تا آن حد پیش رفتند که به پیروان خود آموزش می‌دادند که مرد نباید به‌صورت سرزده و پنهانی حتی وارد خانه خودش شود. او بایستی ورود خود را به نحوی به اطلاع افرادی که در خانه هستند، برساند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۳۱)؛ مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). قرآن کریم خانه‌ای را که حریم نداشته باشد و استوار نباشد و در معرض و منظر غیر قرار گیرد، خانه‌ای می‌داند که نه تنها نیازهای مادی،

برای استفاده‌کننده آن فراهم باشد (حکیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۲). در بیانیه دومین اجلاس کنفرانس اجلاس بشر در استانبول ترکیه، به جای استفاده از کلمه مسکن، عبارت «سرپناه مناسب» استفاده شد (Habitat, 2003, p. 22).

۴. معماری

«معماری» به معنای بنایی و علم بنایی، عمل و شغل معمار است. واژه معمار، صیغه مبالغه و به معنای بسیار عمارت‌کننده، کسی است که طرح و نقشه ساختمانی را کشد و بنای آن را مراقبت کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱۸۴؛ معین، ۱۳۹۱، ص ۴۲۴۱). «معماری، ایده‌ها و ارزش‌هایی را به وسیله سیستمی از علائم بصری بیان می‌کند» (فلامکی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱).

۵. معماری سنتی اسلامی

مراد از معماری سنتی اسلامی عبارت است از اصول و روش‌هایی که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای معنوی داشته باشد؛ ثانیاً بدون انقطاع تاریخی بر اثر حقیقت‌جویی در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان بینی اسلامی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تکامل دائمی هدایتگر باشد (نقی زاده، ۱۳۷۹، ص ۸۰). معماری مبتنی بر فرهنگ اسلامی، بازآفرینی و سامان دهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها به همراه عوامل طبیعی و مصنوعی، تأمین‌کننده نسبی نیازهای مادی و بستر ساز نیازهای روحی آنهاست (نقره کار، ۱۳۹۴، ص ۲۵۲).

۶. مطابقت معماری سنتی - ایرانی با اندیشه اسلامی

پس از ظهور اسلام، معماران مسلمان سعی نمودند تا از اصول و اعتقادات اسلامی در آثار خود بهره بگیرند و هنری را ارائه دهند که از امور عبادی و اعتقادی آنها نشئت گرفته است و در حد توان، آثارشان را به درجه‌ای از مقبولیت و شایستگی برسانند. شالوده‌های معماری مسلمانان در این دوره، ترکیبی از معماری موجود ایران و فرهنگ اسلامی است که با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی، مکانی و روحیات و تعلقات معماران مسلمان پدید آمده است (بمیان، ۱۳۸۶، ص ۳۷). اصل حریمیت و حریم خصوصی - که در این تحقیق به بررسی آن و جست‌وجوی عناصر معمارانه برای تحقق

بلکه نیازهای روحی و معنوی انسان را نیز تأمین نمی‌کند: «و إِنَّا وَهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ» (عنکبوت: ۴۱)؛ همانا سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است. خانه عنکبوت علاوه بر تاروپود سست، در فضا رها شده و بدون حصار و حریم و فضای درونی است. بنابراین، ویژگی‌های مناسب، نقطه مقابل ویژگی‌های خانه عنکبوت است. با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن در رابطه با کلمه بیت، چنین به دست می‌آید که خداوند بارها از حریم خصوصی و توجه به آن سخن گفته و درباره ورود به خانه و استقرار در آن، رهنمودهای ارزشمند در اختیار ما نهاده است: «آگاه باشید، همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد. پس درمان خود را از قرآن بطلبید و در سختی‌ها از قرآن یاری بجویید؛ که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، خطبه ۱۷۶). معمار مسلمان باید با حفظ تعالیم و ارزش‌های دینی خود در بنا، روح اسلامی را در کالبد بناهای خود بدمد و سبک زندگی منطبق بر جهان بینی اسلامی را ترویج کند. درحقیقت سبک زندگی منطبق بر جهان بینی اسلام، بر یک لنگرگاه اصلی اعتقاد استوار است که برای ساخت این بخش از تمدن نوین اسلامی می‌بایست به شدت از تقلید کورکورانه پرهیز کرد و راهکارهایی همه‌جانبه در مقابله با جهانی‌سازی به سبک غربی طراحی کرد.

۳. مسکن

«مسکن» به معنای جای سکونت و مقام، جای باش و خانه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۰۸۸۰؛ معین، ۱۳۹۱، ص ۴۱۱۴). واژه مسکن، درحقیقت اسم مکان از ریشه سکن است که به محل سکون یا توقف گفته می‌شود. این واژه مجموعه متنوعی از مفاهیم کالبدی و مفهومی را با خود به همراه دارد (ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵، ص ۸۹). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را دربرمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. درواقع، تعریف و مفهوم عام مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات لازم برای بهزیستی انسان را شامل است و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن

احادیث در زمینهٔ حریمیت و خواست‌های فطری ساکنان مسلمان است که همان محجوب بودن و دوری از چشم نامحرمان است و در عین آن، حرمت و احترام میهمانان نیز رعایت می‌شود؛ بدین ترتیب، با حفظ حریم اهل خانه، زندگی خانوادگی مختل نمی‌گردد و باعث افزایش آرامش و تعادل روانی می‌شود (مسائلی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

سازوکارهای تأمین حریم خصوصی

۱. مکان‌یابی

مکان‌یابی یکی از فرایندهای ادراکی است. به کمک مکان‌یابی، دستگاه ادراکی می‌تواند جایگاه اشیا و محرک‌ها را در جهان سه‌بعدی تشخیص دهد. انسان برای تحصیل پایگاه وجود باید بتواند خودش را جهت‌یابی کند. او می‌باید بداند کجاست و همچنین می‌باید خود را با محیط همسان‌سازی کند (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۳۴). مکان‌های مختلف بیانگر مفاهیم و درک متفاوت برای افراد گوناگون‌اند (تیبالدز، ۱۳۸۵، ص ۶۳). برای حفظ حریم خصوصی خانه، به‌عنوان محل امن و آرامش، مکان‌یابی مناسب مسکن و همچنین ارتباط صحیح و مناسب فضاهای داخلی خانه و اجزای آن امکان‌پذیر می‌باشد. در معماری سنتی بارزترین حریم‌ها در شهر، مخصوص واحدهای مسکونی و فضاهای باز آنها بود. مکان‌گیری فضاهای مختلف یک خانه نسبت به خانه‌های مجاور و نسبت به فضاهای عمومی، چه از نظر ارتفاع، چه از نظر فاصله، چه از نظر ارتباط بصری و حتی از نظر بویایی و شنوایی، به‌گونه‌ای بود که کمترین امکان ارتباط بین درون و بیرون وجود داشت. به این ترتیب، حریم خصوصی ساکنین خانه تأمین شده و موجب آرامش و آسایش اهل خانه می‌گردید؛ و در مجموع شکل خانه و جهت قرارگرفتن آن، با توجه به باورهای دینی تعیین می‌شد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ص ۷۱). لذا معماری سنتی ایرانی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روح‌بخش اسلامی و آموزه‌های معنوی به‌عالی‌ترین شکل ممکن سود می‌جوید (مه‌دوی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

۲. مکان‌یابی فضاهای داخلی خانه

از آنجاکه حفظ حریم خصوصی در داخل خانه به‌نوعی به مکان‌یابی و چیدمان فضاها در داخل خانه مرتبط است، طراحی خانه‌های سنتی در شهرهای اسلامی به‌گونه‌ای صورت می‌گرفت که موضوع حریم و

مفهوم آن در خانه به‌عنوان خصوصی‌ترین مکان زندگی افراد پرداخته شده - یکی از مهم‌ترین اصولی است که رعایت آن در کالبد بناهای سنتی به بهترین وجه صورت گرفته است. معماری ایران، از دیرباز دارای چند اصل اخلاقی مطابق با اصول اسلام و تشیع بود که به‌خوبی در خانه‌های سنتی نمایان گردید. این اصول، شامل مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی و درون‌گرایی بودند. مردم‌واری، رعایت تناسب میان اندام‌های خانه با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در خانه‌سازی است. در ساخت خانه‌های سنتی ایران، تلاش شده تا از اسراف پرهیز شود. قرآن کریم می‌فرماید: «مؤمنان، آنان که از بیهودگی روی گردانند» (مؤمنون: ۳). همچنین قرآن کریم، اسراف‌کنندگان را برادران شیطان می‌خواند: «حق خویشاوندان، بیچارگان و درراه‌ماندگان را بپرداز و زیاده‌روی مکن که زیاده‌روی‌کنندگان برادران شیطان‌اند و شیطان به پروردگارش کفر ورزید» (اسرا: ۲۶ و ۲۷). نیارش و پیمون برای استحکام، شناخت کمیت و کیفیت نیروی مصالح ساختمانی، شیوه‌های بهینه‌سازی و محافظت از جان ساکنان خانه به‌کار می‌رفت. در مورد خودبسندگی، معماران ایرانی تلاش می‌کردند از مصالح بوم‌آورد استفاده کنند. این کار، باعث می‌شد تا از هزینه‌های رفت‌وآمد کاسته شود و خانه با طبیعت پیرامون خود هماهنگ‌تر و سازوارتر باشد. اصولاً در سامان‌دهی گوناگون ساختمان و به‌ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است. ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان، یکی از باورهای مردم ایران بوده که این امر به‌گونه‌ای خانه‌های سنتی ایران را درون‌گرا ساخته است (نازی دیزجی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱). طراحی خانه‌ها به‌صورت درون‌گرا، از دیگر مصداق‌های رعایت حریم و ایجاد آرامش روانی است. این نوع تفکیک و استقلال خانه از محیط پیرامون، باعث به‌ارمغان آمدن آرامش درونی برای افراد می‌گردد و محیط خانه را به مکانی برای آرامش و سکینه به‌دور از آشفته‌گی‌های خارجی تبدیل می‌کند (اخوت، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). مسکن سنتی، حریمیت را با خلق فضای جدید و براساس ایجاد حرمت برای ساکنان و واردین ایجاد می‌نماید و ویژگی تفکیک بیرونی و اندرونی و همچنین انحراف دید در ورودی را برای ایجاد مفهوم حریم و حریمیت برمی‌گزیند. در اصل، تحقق مفهوم بیرونی و اندرونی، پاسخی معمارانه به فرمان‌های قرآن و

فضای پذیرایی مهمان راه می‌یافت (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). با توجه به اصل عفت و مستندات شاخص در معرض دید نبودن فضاهای داخلی نسبت به یکدیگر، بهتر است تمامی اجزای خانه، از جمله آشپزخانه، در طراحی خانه طوری اجرا شود که انسان بتواند به راحتی چشم‌پوشی و روی گردانی کند. با توجه به اهمیت محرمیت اتاق خواب، مکان‌یابی اتاق‌های خواب باید در عرصه خصوصی خانه و جدای از عرصه عمومی خانه باشد. در اسلام نیز به محرمیت اتاق خواب تأکید فراوانی شده است. در سوره «نور»، خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند، باید در سه وقت از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح؛ و هنگام ظهر، که لباس از تن بیرون می‌کنید؛ و بعد از نماز عشا. این سه وقت، خلوت شماست. در غیر این مواقع، نه بر شما و نه بر آنها گناهی نیست که اطراف یکدیگر بچرخید و باهم معاشرت نمایید؛ و خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خدا دانای حکیم است» (نور: ۵۸). با توجه به این آیه، یکی از مطلوبیت‌های مهم معماری اسلامی، تفکیک اتاق خواب والدین از فرزندان است تا مقدمات آسایش و راحتی والدین و تربیت صحیح فرزندان فراهم شود، همچنین در احادیث اسلامی بر تفکیک بستر خواب فرزندان از هم تأکید شده است. در برخی از روایات، هفت‌سالگی و در برخی دیگر ده‌سالگی، برای تحقق این امر تعیین شده است. با توجه به این دست روایات و با تکیه بر اصل عفت و حیا - که اصل مهمی در تربیت فرزندان به‌شمار می‌رود - تفکیک اتاق خواب آنان بهترین زمینه و عامل برای تحقق این مطلوبیت خواهد بود. از این رو، تفکیک اتاق فرزندان از یکدیگر و والدین، لازمه اخلاقی و عقلانی تفکیک بستر خواب آنان است. بنابراین، تعریف اتاق‌های متعدد و متفاوت برای فرزندان دختر و پسر در معماری و طراحی منازل اسلامی، امری ضروری خواهد بود (قربانی، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

۳. مکان‌یابی بازشوها و گشودگی‌ها در خانه

مکان‌یابی درهای ورودی خانه‌ها بایستی با اصول حفظ حریم خصوصی زندگی سازگار باشد؛ به گونه‌ای که هیچ تجاوزی به حریم صورت نگیرد. معماران مسلمان اعتقاد دارند که درهای خانه‌ها در واحد همسایگی نباید روبه‌رو یا نزدیک یکدیگر باز شوند و باید

محرمیت در دو بعد عرصه عمومی و عرصه خصوصی رعایت شود. از این رو که همواره در دین اسلام به مهمان دوستی و ارتباط داشتن با اعضای جامعه، دوستان و آشنایان سفارش اکید شده است، در محرمیت عمومی خانه مسلمان، وجود فضایی برای پذیرش و پذیرایی از مهمان ضروری است. با وجود این، اسلام توصیه می‌کند که محرمیت در خانه بایستی حفظ گردد و مردان نامحرم بایستی زنان خانواده را نظاره کنند و با آنها ارتباط داشته باشند. بنابراین، هرگونه دسترسی سمعی و بصری میان فضای مهمان‌خانه و اتاق‌های خصوصی خانواده، مانند اتاق خواب، در خانه اسلامی مجاز نیست. طراحی خانه باید به گونه‌ای باشد که محرمیت میان عرصه عمومی و عرصه خصوصی خانه به‌طور کامل حفظ گردد (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). برای رسیدن به این منظور، اغلب خانه‌های سنتی شامل دو حیاط، بیرونی و درونی می‌شدند. حیاط بیرونی مخصوص مهمان بود و حیاط اندرونی برای اهل خانه و خدمه به کار می‌رفت (الهی‌زاده و سیروسی، ۱۳۹۳، ص ۴۰). ارتباط حیاط بیرونی و درونی، به گونه‌ای ساخته می‌شد که ارتباط حیاط بیرونی از مسیر کوچه، بازار یا خیابان فراهم شود و قسمت اندرونی از کوچه فرعی جداگانه داشته باشد. در قسمت بیرونی، افراد و فامیل غیرمحرّم (مانند مهمانان) زندگی می‌کردند و اهل حرم بدون ارتباط با آنها می‌توانستند از درب دیگری از حیاط خارج شوند. مفهوم اندرونی و بیرونی در خانه‌های قدیمی پاسخی معمارانه جهت حفظ حریم خصوصی افراد خانواده و تکریم و حرمت نگه داشتن مهمان بوده است. در واقع یک حیاط برای زندگی خصوصی و یک حیاط برای مهمان در نظر می‌گرفتند (ولیزاده اوغانی و ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱). مکان‌یابی سرویس بهداشتی در طراحی مطلوب اسلامی باید در مخفی‌ترین جای بنا قرار گیرد تا از لحاظ در نظر گرفتن حریم‌های صوتی، بصری و بویایی و سایر ابعاد اخلاقی، اجتماعی و بهداشتی، موجب سلب آسایش و آرامش ساکنین نگردد. مهم‌ترین فضایی که در خانه‌های سنتی بایستی از نظر فرد نامحرم دور نگه داشته می‌شد، فضای آشپزخانه بود؛ زیرا همواره زنان خانواده بیشترین وقت خود را در این فضا سپری می‌کردند؛ لذا بایستی همواره در این فضا به راحتی نشست و برخاست می‌کردند و از هرگونه مزاحمتی برای آنها جلوگیری می‌شد. این فضا همواره دور از چشم مهمان قرار می‌گرفت و فقط توسط یک راهرو باریک به

فاصله‌ای بین آنها باشد تا از نگاه فرد به درون خانه مقابل یا خانه‌های مجاور جلوگیری شود. براین اساس، برخی گفته‌اند هیچ خانه‌ای نباید یک در روبه‌رو یا نزدیک به در همسایه داشته باشد؛ زیرا ممکن است یک همسایه از ملاقات همسایه دیگری در جلوی در خانه‌اش هراس داشته باشد؛ به این دلیل که به کنجکاو و فضولی در منزلش منتهی شود. نظر برخی از محققان اسلامی درباره نحوه قرارگیری درب ورودی، به عرض خیابانی که درب خروجی خانه در آن واقع است، نیز بستگی داشت. مثلاً قرار دادن درهای ورودی جلوی یکدیگر در خیابان‌های باریک با عرض حداقل سه متر، می‌تواند به‌عنوان تجاوز به زندگی سایر افراد شناخته شود؛ و حریم خصوصی افرادی که درون منزل زندگی می‌کنند، در حین باز شدن درب مورد تجاوز قرار گیرد. در نتیجه، یک فاصله معقول باید بین درب‌ها لحاظ شود؛ به‌گونه‌ای که افراد بتوانند در را باز کنند و اجناسی را درون منزل قرار دهند؛ بدون آنکه موجب تجاوز به حقوق شخصی افراد همسایه شوند (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰-۱۵۱).

همچنین معماران مسلمان فضای ورودی را به‌گونه‌ای تعبیه می‌کردند که مردم مستقیماً و یک‌باره وارد بنا نمی‌شدند. در ورودی، درحقیقت کنترل‌کننده ارتباط داخل و خارج بناست. این مسئله سبب می‌شد که در طراحی ورودی، تمهیداتی اندیشیده شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ص ۹۳). مسیر حرکت در ورودی خانه‌های سنتی، در امتداد محوری غیرمستقیم است و از چند فضا، مانند سردر، هشتی و دالان تشکیل شده است. سردر به شکلی بود که درخور استقبال و بدرقه مهمان باشد. سکوهایی در قسمت ورودی بنا تعبیه شده بود برای انتظار، رفع خستگی و نشستن مهمانانی که با صاحبخانه کار داشتند و لازم نبود وارد خانه شوند. قسمت هشتی بعد از فضای ورودی قرار داشت و مهم‌ترین کارکرد هشتی، تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت و حفظ قسمتی از حریم خانه بوده است (ولیزاده اوغانی و ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). دالان نیز به‌عنوان جزئی از فضای عبوری بعد از فضای هشتی قرار داشت و کارکرد آن، تأمین ارتباط و دسترسی بین دو مکان بود که از فضایی باریک و کم‌عرض تشکیل می‌شد. درواقع، برای حفظ حریم خصوصی ساکنان خانه، مسیر فضای ورودی به‌صورت پیچ‌درپیچ، غیرمستقیم و تا حد امکان طولانی طراحی شده بود؛ به‌نحوی که از جلوی درگاه یا هشتی نتوان فضاهای داخل را مشاهده کرد. معمار سنتی برای پوشاندن دید و

ایجاد حریم خصوصی در خانه، از همان ابتدای ورود به خانه، راهکارهایی همچون ایجاد انحراف دید در ورودی، نوع مسیر حرکت از هشتی به دالان و به خانه و متفاوت کردن صدای کوبه در برای زنان و مردان، و قرار ندادن ورودی‌ها روبه‌روی یکدیگر را اعمال می‌کرد (اخوت، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶). مکان یابی پنجره‌ها نیز نبایستی مشرف به خانه‌های دیگران باشد؛ حتی اگر نیاز به دریافت نور طبیعی و تهویه هوا از آن سمت میسر باشد. پنجره‌ها در حفظ حریم خصوصی، همواره از درهای ورودی مشکل‌سازترند؛ بدان جهت که افراد داخل خانه می‌توانند داخل خانه همسایه را به‌راحتی نظاره کنند؛ بدون آنکه کسی متوجه آنها شود و شخص همسایه بدون اینکه خود بفهمد، به حریم خصوصی‌اش تجاوز شود (اخوت و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰). یکی از مسائلی که شریعت اسلام بر آن تأکید دارد، ممنوعیت اشراف و نگاه کردن به درون حریم دیگران است. روایات فراوانی در مذمت اشراف نوشته شده است، که دارای جهات اخلاقی، اجتماعی و حقوقی‌اند و باید به‌طور مجزا بررسی شوند. به‌هرحال، یکی از مقدمات حفظ حریم خصوصی افراد، پوشش درون خانه از دید ناظران و ضرورت پوشیده ماندن منازل دیگر از درون خانه است؛ یعنی بازشوهای خانه باید به‌گونه‌ای طراحی و تعبیه شود که امکان اشراف و رؤیت منازل همسایگان فراهم نگردد (قربانی، ۱۳۹۱، ص ۵۷). البته در عصر حاضر به دلیل انبوه‌سازی و مرتفع‌سازی ساختمان‌ها، تعبیه بازشوها بدون اشراف به ساختمان‌های دیگر، کاری مشکل و گاهی اوقات نشدنی است؛ بدیهی است که این مسئله باید به‌صورت ریشه‌ای درمان شود؛ اما به‌هرحال با توجه به شرایط امروز و محدودیت‌هایی که وجود دارد، توجه به این نکات می‌تواند وضع طراحی را بهبود بخشد. بنابراین، اصولاً تراکم‌های زیاد و بلندمرتبه‌سازی باید در زمین‌هایی صورت گیرد که برای این کار پیش‌بینی و طراحی شده و قبلاً کلیه خدمات عمومی، شهری، فضای سبز، پارکینگ و نحوه قرارگیری و فاصله بلوک‌های آپارتمانی بر طبق معیارهای فنی - مهندسی و طراحی شهری و حقوق همسایگان پیش‌بینی و رعایت شده باشد (نقره‌کار و رئیس، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸).

۴. اصل سلسله‌مراتب

اصل سلسله‌مراتب که ارتباط قلمروهای مختلف محیط زندگی را از عمومی تا خصوصی (عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و

خصوصی را به مکانی برای ارتباط دوسویه و برقراری ارتباط تبدیل می‌کند. لذا سلسله‌مراتب، یکی از اصول به‌کاررفته در هنرهای سنتی است. این هنرها، نه‌تنها در ساختار شکل‌گیری خود مبتنی بر اصول سلسله‌مراتبی‌اند، بلکه با هارمونی ساری و جاری در عالم و سلسله‌مراتب وجودی‌ای که بالاتر از مرتبه‌ی مادی مربوط به آن قرار دارد نیز منطبق و هماهنگ‌اند (نصر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰).

۵. درون‌گرایی

توجه به بسیاری از ارزش‌های اسلامی، در درون‌گرایی نهفته است؛ همچون توجه به درون (باطن) بیش از بیرون (ظاهر)، توجه به حیا، عدم تفاخر و ریا و خودنمایی، پرهیز از برهنگی و خودآرایی، از بین بردن زمینه‌ی رشد عُجب، تقویت وحدت جامعه و نمایش وحدت کالبدی. هریک از این خصوصیات، به‌نحوی در شکل فضاهای یک خانه‌ی درون‌گرای ایرانی تأثیرگذار بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۱، ص ۵۷). این شیوه‌ی معماری، علاوه‌بر اینکه به‌طور نمادین، توجه انسان به خدا و همچنین پشت کردن به دنیا را به نمایش می‌گذارد، نمایشی از پاسخ به سیر در انفس و در درون خویش است که به‌تبعیّت از تعالیم قرآنی، به‌همراه سیر در آفاق، همواره مورد توجه عرفای مسلمانان بوده است: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفُرْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳)؛ ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که بر حق است. آیا ای رسول (همین حقیقت که) خدا بر همه‌ی موجودات عالم پیدا و گواه است، کفایت از برهان نمی‌کند؟

در معماری دوران اسلامی، مهم‌ترین عنصر در نمای خارجی یا تنها عنصر شاخص و جاذب در نمای خارجی، سردرب یا ایوان ورودی است که چون طاق نصرتی برای ورود انسان طراحی می‌شود و این به‌منزله‌ی اهمیت بخشیدن به انسان است. در مقابل توده‌ی ساختمان، سردرب‌ها در معماری سنتی با ایجاد تمرکز و توجه، گویی با خشوع مهمان را دعوت به ورود می‌کند. از مشخصه‌های خانه‌های درون‌گرا، توجه بیشتر به داخل خانه است تا خارج آن. در خانه‌های سنتی، پنجره‌ای به بیرون وجود ندارد و تقریباً تمام بازشوها رو به حیاط است. دیوار بیرونی خانه معمولاً عاری از تزئین است و جز سردرب ورودی منزل، هیچ‌گونه خطّ بصری در خارج از منزل وجود ندارد. در مسکن

خصوصی) تعریف و تعیین می‌کند، یکی از سازوکارهای تأمین حریم خصوصی در مسکن می‌باشد. در شهرهای سنتی ایرانی، نظام سلسله‌مراتبی ساختار کالبدی شهر بدین صورت بوده است که استخوان‌بندی اصلی در مرکز شهر، محله‌های مسکونی در پیرامون آن، باغ و مزارع در حواشی محله‌های مسکونی و سپس احاطه‌ی کل شهر با حصار بوده است (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۸). درواقع، یک شبکه‌ای از سلسله‌مراتب محرمیت کل فضای شهر را دربرمی‌گیرد که از واحدهای مسکونی به‌عنوان محرم‌ترین و خصوصی‌ترین فضا شروع و به عمومی‌ترین فضای شهر ختم می‌شود. در یک بنای معماری، رعایت اصل سلسله‌مراتب سبب شکل‌دهی به قلمروهای فضایی با کارکردهای متفاوت می‌گردد و حریم‌بندی‌های فضایی را شکل می‌دهد. اصولاً انتقال و گذر از قلمرویی به قلمرو دیگر به صورت آنی و بدون ایجاد شرایط، اعم از روانی و فیزیکی، نامطلوب است؛ لذا می‌توان عنوان داشت که عدم رضایت حریم‌ها و تداخل نامناسب قلمروها، از مطلوبیت کیفی فضا می‌کاهد و اینجاست که نقش پررنگ سلسله‌مراتب در حریم‌بندی و ایجاد فضای رابط میان دو قلمرو، پررنگ‌تر می‌شود. کاربرد اصل سلسله‌مراتب در معماری سنتی، در حوزه‌های مختلف، همانند سلسله‌مراتب فضایی و در شهرسازی، سلسله‌مراتب عملکردی عبوری محله‌ای و منطقه‌ای، سبب شکل‌گیری ساختارهای کالبدی فضایی گشته است که مهم‌ترین ثمره‌ی آن شکل‌گیری حریم‌های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶، ص ۷). در خانه‌های سنتی، فضای جلوی خانه - که عمومی‌ترین فضای آن محسوب می‌شود - از طریق در ورودی اصلی، دالان و هشتی به بخش‌های نیمه‌عمومی خانه مرتبط می‌شود. بخش‌های نیمه‌عمومی خانه (مانند حیاط بیرونی و اتاق مهمان) فضاهایی برای دسترسی و برقراری ارتباط بین ساکنان و مهمانان است. اتاق‌های خصوصی نیز با حیاط اندرونی و فاصله گرفتن از فضای عمومی تفکیک می‌شوند. به‌عبارتی، مرزها همان قدر که برای جدا کردن دو قلمرو و حفاظت از یکی در مقابل دیگری است، رابطی برای برقراری ارتباط بین آن دو نیز هستند. درب ورودی خانه، نقطه‌ی شروعی، هم برای ورود به درون خانه و هم ورود به دنیای بیرون، یعنی خیابان‌هاست. ایوان جلوی خانه نیز محدوده‌ی عرصه‌های صرفاً

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام در خصوص سازوکارهای تأمین حریم خصوصی مسکن در سه سطح مکان‌یابی، اصل سلسله‌مراتب و درون‌گرایی، جهت بازخوانی سیمای معماری مسکن ایرانی - اسلامی معاصر و توجه بیشتر به نقش حریم خصوصی مسکن منطبق بر آموزه‌های اسلامی پرداخته شد. بر اساس این نوشتار، روشن گردید که تأمین حریم خصوصی در معماری مسکونی امروز، با توجه به تعالیم اسلامی و تجربیات معماری گذشته نمی‌تواند یک‌سره تقلیدی از معماری غربی یا تماماً به سبک معماری سنتی - اسلامی باشد؛ بلکه بهتر است تلفیقی از معماری سنتی و تکنولوژی روز، با رعایت ارزش‌های اسلامی و در نظر گرفتن ضروریات زندگی و نیازهای جامعه اجرا شود تا از ویژگی‌های مثبت معماری اسلامی و مدرن، هر دو استفاده شود و به تدریج تفکر و نگرش افراد جامعه برای ایجاد حریم خصوصی در مسکن با تلفیق سبک معماری اسلامی با مدرن و امروزی تغییر پیدا کند. مسکن سنتی ایران به آیات قرآن و احادیث ائمه ارج می‌نهد و ارزش زیادی برای اعتقادات مذهبی افراد قائل بوده است؛ اما به تدریج آپارتمان‌ها، جای خانه‌های سنتی را گرفت و باعث تغییرات وسیعی در جنبه‌های مذهبی، آیینی، اقتصادی، اجتماعی و آداب سکونت افراد گردید. بسیاری از فضاهای خانه سنتی حذف گردید یا تغییر یافت و درون‌گرایی کم‌رنگ شد. در نتیجه، نیازهای مذهبی و هویتی افراد نادیده انگاشته شد. حفظ حریم خصوصی، حلقه گمشده زنجیر در ساخت‌وسازهای مسکن امروزی است و این اصل نادیده گرفته شده موجب شده است که طراحی درونی اکثر منازل کشور - که زمانی دارای حریم‌بندی بود - به گونه‌ای بی‌حریم گردد. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی که با این حریم‌بندی سازگار باشد، می‌تواند در طراحی مسکن واجد حریم مؤثر باشد؛ زیرا دین مبین اسلام با فطرت بشر سازگار بوده و به نیازهای روحی و جسمی او واقف است و آموزه‌های آن در جهت پاسخ‌گویی به این نیازهاست؛ به گونه‌ای که هرگاه انسان به این آموزه‌ها توجه کرده و آنها را در زندگی به کار بسته است، به آرامش جسمی و روحی دست پیدا کرده است. بر این اساس، شایسته است با توجه به سازوکارهای مؤثر در تأمین حریم خصوصی - که در این مقاله برشمرده شد - الگوهای اسلامی در معماری مسکن امروز بازآفرینی گردد.

امروزی، برخلاف مسکن سنتی، تظاهرات اجتماعی و اقتصادی مالک مسکن، در نمای بیرونی خانه از طریق نشانه‌های زیباشناختی و اجتماعی بروز می‌یابد تا شأن اجتماعی و اقتصادی او را گویا باشد. این در حالی است که در مسکن سنتی (دقیقاً برخلاف مسکن معاصر)، طبق تعالیمی که مالک و نیز معمار به آن پایبند بودند، نمای بیرونی خانه کاملاً ساده و بی‌پیرایه بود و آنچه در دیوارهای بیرونی دیده می‌شد، تنها سطحی ساده و با حداقل آرایه بود. لذا خانه‌ها از بیرون مصرف بصری نداشتند و نگاه‌ها را جلب نمی‌کردند. در مسکن سنتی، با توجه به تعالیم و آموزه‌های اسلامی، بحث حریم خصوصی و محرمیت از ارزش بالایی برخوردار است (نقره‌کار و رئیس، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴)؛ به گونه‌ای که با بررسی فضاهای معماری گذشته ایران درمی‌یابیم که در معماری سنتی، حریم‌های خصوصی با ایجاد شکستگی در محورهای حرکت، از فضاهای دیگر جدا می‌شد و تعدد این محورها، از ورودی منزل تا اندرونی، به بیگانه اجازه نمی‌داد تا به طور مستقیم به فضاها و حریم خصوصی خانه اشراف پیدا کند (آیوازیان، ۱۳۷۶، ص ۴۹). در فضای درونی مسکن سنتی، ترکیب فضایی مسکن به نحوی اعمال می‌شد که هم‌نشینی فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی با سایر نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی مردم همسو باشد؛ از این رو، حفظ حریم و رعایت مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی، در مسکن سنتی بسیار بااهمیت بود؛ در حالی که در مسکن معاصر، مرز بین فضاهای عمومی و خصوصی به مقدار زیادی مستحیل می‌گردید و فضاهایی که طبق نظام سنتی خصوصی تلقی می‌شد، در نظام فضایی جدید به فضاهایی نیمه‌عمومی تبدیل می‌شد؛ که نمونه آن، شکل‌گیری آشپزخانه باز است. نکته قابل تأمل این است که آشپزخانه، از آنجا که به لحاظ کار کرد فضایی برای حضور بانوی خانه است، از گذشته فضایی خصوصی و با حریم کاملاً مشخص تعریف می‌شد؛ اما تغییر فضایی صورت گرفته، آن را به فضایی نیمه‌عمومی تبدیل کرده است؛ در صورتی که متناسب با تغییر فضایی، سامانه‌های عقیدتی و فرهنگی دچار این حد از تغییر نشده‌اند. این امر سبب گردید تا موضوع آشپزخانه‌های باز برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی به یک پارادوکس تبدیل شود؛ یعنی از سویی عدم به‌کارگیری آن را نشانه ارتجاع می‌دانند و از سوی دیگر، به‌کارگیری آن را با سامانه‌های اعتقادی و فرهنگی خود همسو نمی‌بینند (نقره‌کار و رئیس، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹).

منابع.....

- تهج/البلاغه، ۱۳۷۸، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اخوت، هانیه و همکاران، ۱۳۸۹، *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*، تهران، طحان.
- اخوت، هانیه، ۱۳۹۴، «بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل‌گیری کالبد مسکن سنتی»، *شبه‌شناسی*، دوره سیزدهم، ش ۵۲، ص ۱۹۱-۲۳۴.
- اسکندری مصطفی، ۱۳۸۹، «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، *حکومت اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۴، ص ۱۴۷-۱۷۶.
- افشار، لیلا و علی نعمتی، ۱۳۸۹، «حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۹۸، ص ۵۹-۷۴.
- انصاری، باقر، ۱۳۸۸، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۶، ص ۱-۵۳.
- آبوزیان، سیومن، ۱۳۷۶، «حفظ ارزش‌های معماری سنتی در معماری معاصر ایران»، *هنرهای زیبا*، ش ۲، ص ۴۳-۵۱.
- بمانیان، محمدرضا، ۱۳۸۶، «بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان»، *نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران*، ش ۵، ص ۳۷-۴۴.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۱، *سبک‌شناسی معماری*، تهران، معمار.
- تولون، بی، ۱۳۷۴، *جغرافیای سکونت - سکونتگاه‌های روستایی*، ترجمه محمد ظاهری، تبریز، دانشگاه تربیت معلم.
- تیبالدز، فرانسیس، ۱۳۸۵، *شهرهای انسان‌محور*، ترجمه حسینعلی لقای و فیروزه جدلی، تهران، دانشگاه تهران.
- حکیمی، هادی، ۱۳۹۰، «ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران؛ مطالعه موردی: جمشیدآباد خوی»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال بیست و دوم، ش ۴۴، ص ۱۹۷-۲۱۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغتنامه دهخدا*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- رایاپورت، ایروس، ۱۳۸۸، *انسان‌شناسی مسکن*، ترجمه خسرو افضلیان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و اکبر میرجلالی، ۱۳۹۳، «نقش نهاد خیریه‌ای کمیته امداد در بهبود کیفیت فیزیکی مسکن مددجویان زیر پوشش روستایی (نمونه موردی: بخش کندوان، شهرستان میانه)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره چهل و ششم، ش ۴، ص ۸۷۵-۸۷۷.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۲، *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سیفیان، محمدکاظم و محمدرضا محمودی، ۱۳۸۶، «حرمیت در معماری سنتی ایران»، *هویت*، سال اول، ش ۱، ص ۳-۱۴.
- شولتز، کریستین نوربرگ، ۱۳۸۸، *روح مکان به سوی پایدارسازی معماری*، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، رخداد نو.
- شهباز قهفرخی، سجاد و مصطفی مسعودیان، ۱۳۹۱، «حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات»، *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، دوره سوم، ش ۲، ص ۸۷-۱۰۰.
- طیبیان، منوچهر و همکاران، ۱۳۹۰، «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی - اسلامی»، *ارماتشهر*، ش ۷، ص ۶۳-۷۶.
- عروسی جویری، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالتقلین*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۸۱، *ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری*، تهران، فضا.
- قاسمی اردهائی، علی و ولی‌الله رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱، «ثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی»، *مسکن و محیط روستا*، ش ۱۳۹، ص ۶۷-۸۴.
- قربانی، رحیم، ۱۳۹۱، *شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتب، فاطمه، ۱۳۸۴، *معماری خانه‌های ایرانی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرتضی، هشام، ۱۳۸۷، *اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام*، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی.
- مسائلی، صدیقه، ۱۳۸۸، «نقشه پنهان به مثابه دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران»، *هنرهای زیبا*، ش ۳۷، ص ۲۷-۳۸.
- معین، محمد، ۱۳۹۱، *فرهنگ فارسی*، چ بیستوهفتم، تهران، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی، سعید و مهیار سجادیان، ۱۳۹۵، «تدقیقی بر ساختارها و کارکردهای مسکن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، دوره هشتم، ش ۲۷، ص ۸۴-۱۱۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۱، «هنر اسلامی، در چالش با مفاهیم معاصر و افق‌های جدید»، *هنرهای زیبا*، ش ۱۲، ص ۲۳-۳۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۳، «حکمت معماری اسلامی، جست‌وجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران»، *هنرهای زیبا*، ش ۱۹، ص ۵۷-۶۶.
- نازی دیزجی، سجاد و همکاران، ۱۳۸۹، «اخلاق در معماری»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال پنجم، ش ۴ و ۳، ص ۱۰۵-۱۱۴.
- نصر، سیدحسن، ۱۳۸۰، *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز.
- نقره‌کار، عبدالحامید و محمد رئیسی، ۱۳۹۲، *تحلیل شناختی سامانه مسکن ایرانی بر پایه*

- ارتباط لایه‌های متن-مسکن، در: مجموعه مقالات بنیادی و کاربردی در حکمت هنر و معماری اسلامی، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۷، *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۹۴، *برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری*، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- نقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۹، «رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، *هنرهای زیبا*، ش ۷.
- ولیزاده اوغانی، محمدباقر و اکبر ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱، «تکریم مهمان و جلوه آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران»، *معرفت اخلاقی*، سال اول، ش ۴، ص ۱۰۵-۱۰۳.
- الهی‌زاده، محمدحسن و راضیه سیروسی، ۱۳۹۳، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، *سبک زندگی*، سال اول، پ ش ۱، ص ۳۵-۷۰.
- Asquith, L. and M. Vellinga, 2006, *Vernacular Architecture in the Twenty-First Century*, London and New York, Taylor & Francis Group.
- Habitat, 2003, "The Habitat Agenda Goals and Principles, Commitments and the Global Plan of Action", UN-HABITAT website (accessed Sep. 2010).